روایت جدید و بدیل

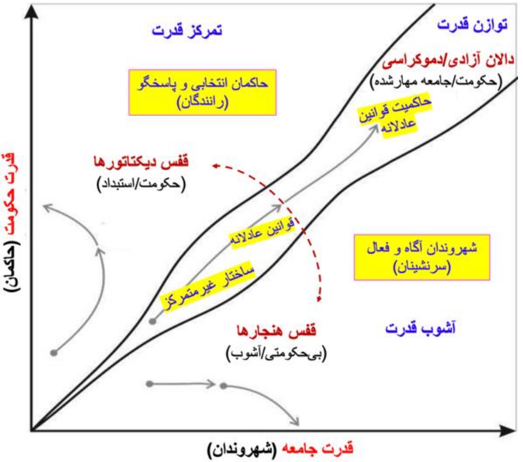
محفل رونمایی کتاب

راه حل علمی-عملی بحران قومی و ساختاری افغانستان

غیرمتمرکزسازی کشور در چوکات ولایات موجود

بربنیاد عدالت شهروندی و توازن اجتماعی

(ضرورت گذار از گفتمان قومی/ایدیولوژیک به گفتمان عدالتخواهی-شهروندی)



پروفیسور دکتور عبدالخالق لعل زاد

لندن، دانشگاه برونیل، ۱۰ سپتمبر ۲۰۲۵



عناوین

- **روش‌های پژوهش**
  - **دریافت مشکل اساسی در کشور (تشخیص مرض)**
- **انواع گفتمان و تقسیم‌بندی جامعه (براساس قوم، دین، مذهب، طبقه وغیره)**
  - گفتمان قومی
  - گفتمان ایدیولوژیک
  - ترکیب گفتمان قومی-ایدیولوژیک
  - گفتمان عدالتخواهی-شهروندی
- مهندسی سیاسی
  - نظام سیاسی عادلانه و مردمسالار
  - ساختار نظام عادلانه و مردمسالار در کشور
- **گره کور در گفتمان عدالتخواهی (ترس تاریخی پشتون‌ها و عدالتخواهی یکطرفه غیرپشتون‌ها)**
  - سکوت و غیبت پرهزینه پشتون‌ها
  - ریشه‌های ترس پشتون‌ها
  - پیامدهای غیبت پشتون‌ها
  - اگر پشتون‌ها با گفتمان عدالتخواهی همراه نشوند

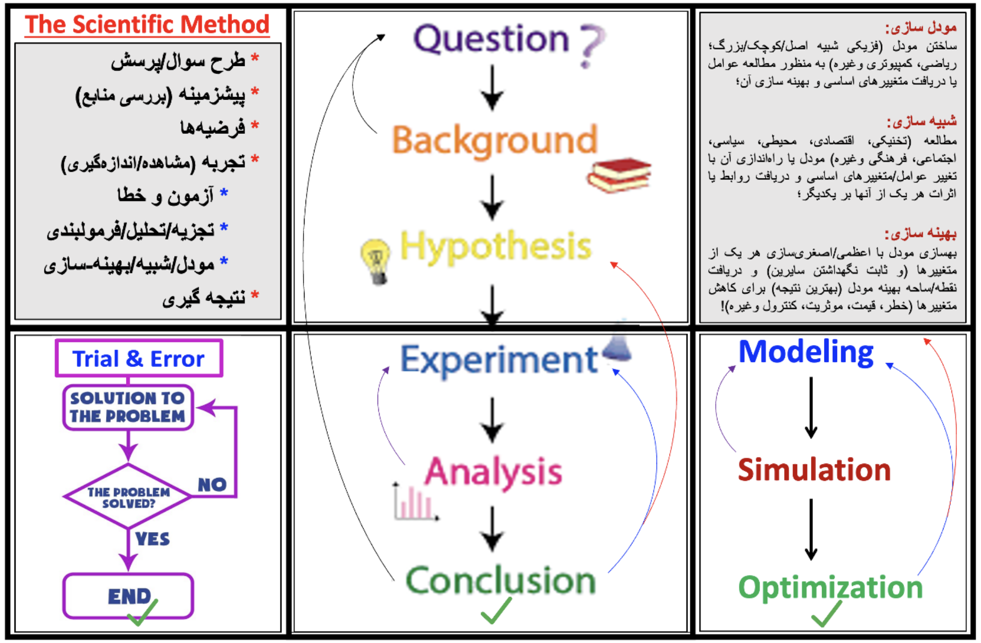
- **چگونه می‌توان از گفتمان قومی به گفتمان عدالتخواهی گذار کرد؟**
  - اصلاح زبان سیاسی و عمومی/رسانه‌ای
  - ایجاد سازوکارهای گفتگو و آشتی
  - مسئولیت‌پذیری و روشنگری
  - تغییر ذهنیت و فرهنگ سیاسی
  - تدوین ساختارهای سیاسی و حقوقی
- **پیوند گفتمان عدالتخواهی با مبارزه مدنی و مسلحانه**
  - شرایط مبارزه مسلحانه
  - مشروعیت مبارزه مسلحانه
  - پیوند مبارزه مسلحانه با مبارزه مدنی
- **نتیجه‌گیری**

۱. روش‌های پژوهش (در دنیای علمی امروزی)

تقریبا برای همه چیز «رهنما، معیار، طرح، نقشه و نمونه»ها وجود دارد؛

ضرور نیست «چرخ» را از نو اختراع کرد: چه دوچرخه، هواپیما یا نظام سیاسی باشد؛

بلکه باید آن‌ها را مطالعه و به‌روز کرد، یا ارتقا داد و بهینه‌سازی کرد!



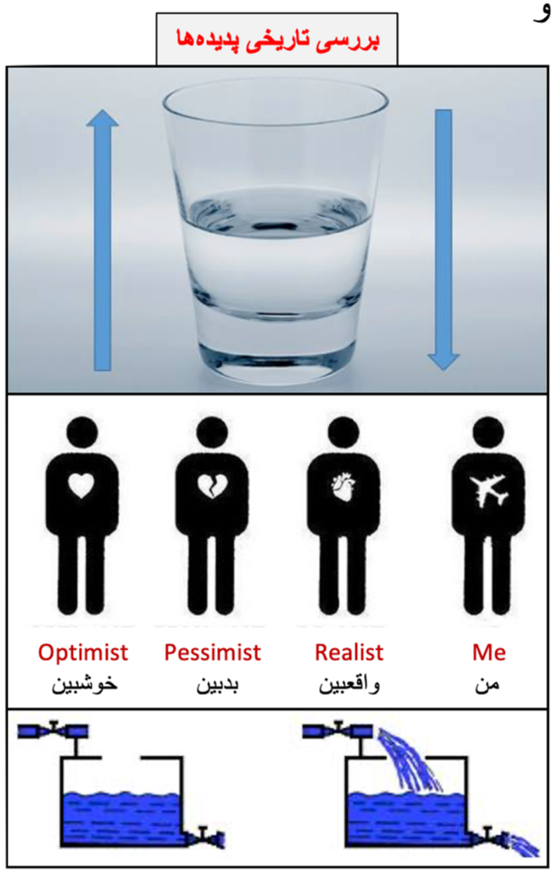
There are Blueprints/Manuals, almost for everything;

There is no need to reinvent the "wheel": whether it's a bicycle, an airplane, or a political system;

just study/update/upgrade & optimize them!

روش حاضر: بررسی تاریخی-تخنیکی (علمی-عملی) پدیده‌ها و مراحل آن

برای شناخت درست، کامل و همه‌جانبه هر پدیده، نخست باید به «بررسی منابع» ("Literature Review") در مورد **گذشته/پیشینه** آن پرداخت؛ سپس **وضعیت کنونی** آن را از جهات مختلف علمی (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، محیطی/فرهنگی، تخنیکی/عملی وغیره) مورد تجزیه و تحلیل قرار داد (و متغییرهای مهم/موثر آن را پیدا کرد) و در آخر (با ارایه پیشنهادات، تغییرات و اصلاحات لازم برای بهبود آن)، به پیش‌بینی **وضعیت آن در آینده** (از نگاه کمی/کیفی) پرداخت!



بنابرآن، بررسی **تاریخی**/کرونولوژیک، یکی از مهم ترین روش‌های پژوهشی برای تحلیل و شناخت پدیده‌ها، پروسه‌ها یا ساختارها بر اساس توالی زمانی و روند **تحولات تدریجی در گذر زمان** است.
این روش **کیفی** بر **زمان** و **تحول تاریخی** پدیده‌ها تمرکز دارد.
هدف آن **شناخت منشا**، **سیر تحول و پیامدهای تاریخی پدیده‌ها** (بر بنیاد اسناد، شواهد و منابع) به‌گونه **بنیادی** و **همه‌جانبه** بوده و شامل مراحل زیر است (به عبارت دیگر، هر پدیده سه حالت دارد):

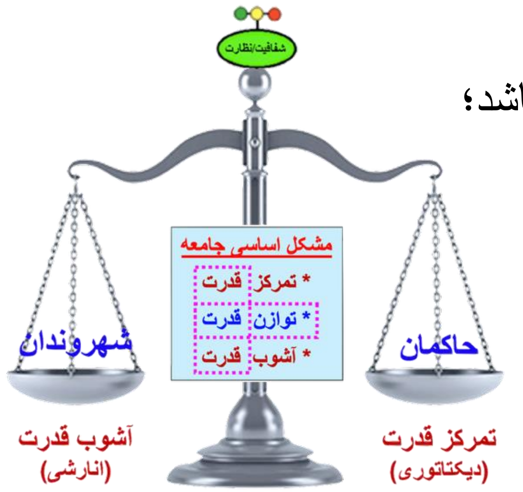
* **گذشته/دیروز:** کی (چه وقت)، در کجا و چگونه بوجود آمده و چه مراحلی را گذشتانده است؟

* **حال/امروز:** اکنون در چه حالتی قرار دارد (تحلیل وضعیت کنونی و نیازمندی آن به تغییرات/اصلاحات)؟

* **آینده/فردا:** با آوردن تغییرات و اصلاحات لازم (**به‌روز/ارتقا/بهینه‌سازی**) چگونه خواهد شد، چه حالتی خواهد داشت و به کجا خواهد رسید؟

امروز ما محصول (کارکرد) دیروز ما و فردای ما محصول (کارکرد) امروز ما است!

دریافت مشکل اساسی در کشور (تشخیص مرض)



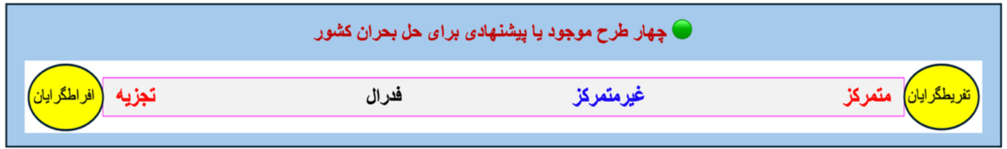
- کمتر کشوری در جهان وجود دارد که در آن تنوع قومی، زبانی، مذهبی و سایر شکاف‌های اجتماعی و فکری موجود نباشد؛
- تعدد و تراکم این درزها و **ناتوانی نخبگان/رهبران سیاسی** (به دلایل مختلف) در حل **مشکلات دولت-ملت‌سازی** همواره تهدید جدی برای حیات سیاسی و **فروپاشی** این کشورها است؛
- در بساموارد، خود دولت‌ها یا حاکمان، عامل اصلی رشد تنش‌های قومی/گروهی در کشورهای خود بوده‌اند.

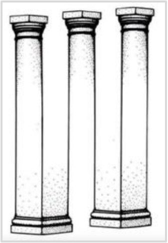
بنابرآن،

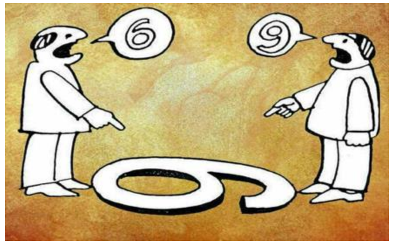
تشخیص یک مرض (مشکل) برابر است با نیم تداوی (راه حل) آن!

- ریشه اصلی ناامنی‌ها و بی‌ثباتی‌ها در کشور را باید در **روند ناعادلانه دولت-ملت‌سازی** یا «**عدم توازن قدرت**» (بر پایه **گفتمان غالب**) و تداوم آن جستجو کرد (چون همه جنجال‌ها در کشور بر سر **قدرت/دولت** بوده و گام نخست پس از گرفتن **قدرت** توسط هر کسی نیز، **روند دولت-ملت‌سازی** یا «**چگونگی توزیع قدرت**» است؛ چنانچه گفته اند: ”گرفتن قدرت آسان، اما نگهداری آن مشکل است“)!
- لذا، تا وقتی **مشکل «دولت-ملت‌سازی»** یا **مشکل «توزیع/توازن قدرت»** (یعنی ایجاد یک **نظام/رژیم سیاسی عادلانه/مردم‌سالار**) بر بنیاد **«گفتمان عدالتخواهی-شهروندی»** برای ایجاد **«توازن قدرت»** در کشور حل نشود، سایر مشکلات (مانند امنیت، توسعه، عدالت، حقوق زنان و همزیستی اقوام) هرگز حل نشده و باید شاهد وجود و ظهور بی‌ثباتی‌ها، تنش‌ها و جنگ‌ها باشیم (جدا از اینکه برخی‌ها **مشکل اساسی** کشور را **ستم طبقاتی**، برخی‌ها **ستم ملی/قومی (تقسیم غلط اقتدار میان اقوام)** برخی‌ها «**دوری از اسلام واقعی**» و برخی‌ها **مداخلات خارجی** می‌دانند؛ درحالیکه اینها معلول **نظام حاکم** اند)!

خلقی‌ها/پرچمی‌ها/شعله‌ی‌ها — ستمی‌ها(فدرالیست‌ها) — اسلامیست‌ها(اخوانی‌ها) — پشتونیست‌ها(افغان‌ملتی‌ها)







۲. انواع گفتمان (دولت-ملت‌سازی) در کشور
تقسیم‌بندی جامعه (بربنیاد قوم، دین، مذهب، طبقه، جنسیت وغیره)

● گفتمان قومی/نژادی (برترپنداری ذات)

نگاه سیاسی-اجتماعی که مسایل کشور را از عینک قومی تحلیل و بررسی می‌کند: مدعی تقسیم جامعه به قوم خوب/بد، برتر/برگزیده، اکثریت/اقلیت، حاکم/محکوم یا بومی/مهاجر/مهاجم است؛ تمرکز آن بر «قوم» بوده و در نهایت خواهان «عدالت قومی» است. این گفتمان از برخی واقعیت‌های اجتماعی تغذیه می‌کند، اما نتیجه عملی آن قوم‌سازی و رویایی قومی (**چرخه شوم طبیعی: کنش و واکنش**) است:

از مکافات عمل غافل مشو   گندم از گندم بروید، جو ز جو

توهم خودبرتربینی/خودبرحق‌بینی و تعمیم جرم

● گفتمان ایدیولوژیک (برحق‌پنداری اندیشه)

نگاه سیاسی-اجتماعی که مسایل کشور را از عینک ایدیولوژی (مارکسیزم، اخوانیزم وغیره) تحلیل و بررسی می‌کند. جامعه را به طبقات مترقی/مرتجع، دیندار/بیدین، دوست/دشمن وغیره تقسیم کرده، مدعی خیر/شر مطلق، تقدس‌سازی رهبر/نصوص بوده و مخالف تنوع/رقابت فکری و فرهنگی است!

تفاوت فکری = دشمنی سیاسی

● ترکیب گفتمان قومی-ایدیولوژیک (فاشیزم دولبه: قوم برتر و اندیشه برحق)

نگاه قومی-ایدیولوژیک (مانند ترکیب کمونیزم امینی یا اسلام طالبی با پشتونیزم) که به **فاشیزم** قومی-فکری منجر می‌شود؛ مخالفان فکری آنها نه رقیب سیاسی، بلکه قوم‌ستیز، دین‌ستیز یا دشمن و عناصر ضد انقلاب/دین معرفی می‌شوند... نظام تمامیت‌خواه

مشکلات غنی/حکمتیار با واژه «شهروند»!

● گفتمان عدالتخواهی-شهروندی [برابرپنداری (حقوقی) افراد](روایت جدید/بدیل)

نگاه ساختارمحور، حقوق‌محور و اخلاق‌محور از مسایل است. دراین گفتمان هیچ نوع تقسیم‌بندی قومی، فکری وغیره وجود ندارد. تبعیض/بحران نه ناشی از قوم/اندیشه/دین/مذهب/جنسیت/منطقه وغیره، بلکه محصول ساختار قدرت (نظام سیاسی حاکم و عملکرد حاکمان) دانسته می‌شود! دراین گفتمان، تمرکز بر ایجاد نظام سیاسی عادلانه/مردمسالار بر بنیاد عدالت شهروندی (**افراد برابرحقوق** بدون توجه به قوم، زبان وغیره) است!

هویت ملی = هویت شهروندی

چرخه والای انسانی: عدل و احسان   من بد کنم و تو بد مکافات دهی   پس فرق میان من و تو چیست؟ بگو

«**معیار قضاوت**» ما تابع «**گفتمان مسلط**» در ذهن ما و نشاندهنده «**جهان‌بینی/دیدگاه/عینک**» و «**چرخه حرکت**» ما است: چرخه ویرانگر یا چرخه سازنده؟



گفتمان شوم/ویرانگر

۱. **بی‌عدالتی سیاسی/قومی اندک قوم‌سالاری**
توزیع ناعادلانه قدرت، منابع و فرصت‌ها

۲. **بی‌اعتمادی عمومی و تضعیف همبستگی ملی**
شکل‌گیری ذهنیت قربانی بودن و کنارکشیدن از نظام

۳. **انحصار قدرت، حذف و سرکوب دیگران**
تمرکز قدرت در دست یک گروه و حذف/سرکوب دیگران از روند تصمیم‌گیری

۴. **بازتولید بحران، گسست اجتماعی و مشروعیت‌زدایی از نظام**
تقویت تنش‌های سیاسی/قومی، مشروعیت‌زدایی از نظام و بازگشت به چرخه یکم

ساختار چرخه شوم/ویرانگر یا منفی (**گفتمان قومی و ایدیولوژیک**)

گفتمان فضیلت/سازنده

۱. **عدالت شهروندی مردم‌سالاری**
عبور از تقسیم‌بندی‌های قومی به برابری حقوقی/قانونی

۲. **عدالت اجتماعی و دسترسی به منابع/فرصت‌ها**
رفع تبعیض، تقویت عدالت توزیعی و رضایت عمومی

۳. **مشارکت سیاسی و اجتماعی همگانی**
افزایش مشارکت اقوام، اقشار و ولایات در تصمیم‌گیری‌ها

۴. **مشروعیت ملی و تقویت همبستگی اجتماعی**
افزایش اعتماد عمومی، ثبات نظام و بازگشت به مرحله یکم

ساختار چرخه فضیلت/سازنده یا مثبت (**گفتمان عدالتخواهی-شهروندی**)

نگاه ما به جهان تابع رنگ عینک گفتمان مسلط در ذهن ماست!

از آنجا که ما جهان و رویدادها را از پشت عینک گفتمان مسلط در ذهن‌مان – قومی، ایدیولوژیک یا شهروندی و غیره – نگاه می‌کنیم؛ درک و تحلیل ما ناگزیر از همان فلتر گذشته و همان رنگ و محتوا را خواهد داشت!

امکانات و فرصت‌ها فراوان اند، به شرطی اینکه راه کسب و استفاده درست از آنها را بدانیم!

- قوم خوب و بد وجود ندارد؛
- اما افراد خوب و بد در هر قوم و حتی در هر خانواده یافت می‌شود!
- افکار و اعمال ما بازتاب ذهن و مغز ماست...

منشای گفتمان‌ها: مغز/ذهن ما (نشاندهنده شخصیت ما)

- **مغز ما «باغچهِ خانه» ماست!**
- اگر در آن گل‌های زیبا نکاریم و مراقبت نکنیم،

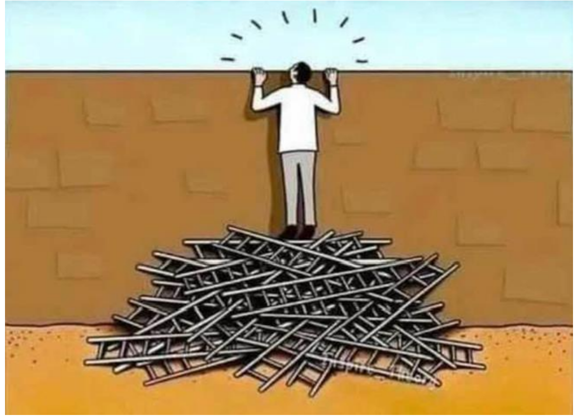
خارها و علف‌های هرزه در آن خواهند رویید!

+ + +

- **مغز ما «بکسِ کار/سفر» ماست!**
- اگر آن را با دانش، مهارت، ابزارها و

گفتمان‌های سازنده تغذیه نکنیم، به «زباله‌دانی» بدل خواهد شد!

انتخاب با ماست که در مغز (باغچه یا بکس کار/سفر) خود چه می‌کاریم یا چه می‌گذاریم و آنرا مراقبت و به‌روز (update) می‌کنیم!؟







منشای شخصیت: ژنتیک/تغذیه/محیط/شرایط

- تغذیه مادی (معده): منبع شخصیت ظاهری (چهره/اندام): سلامتی/زیبایی

  معده/روده: مرکز جذب/دفع خودکار!

- **تغذیه ذهنی (مغز): منبع شخصیت باطنی (باور/روحیه):** دانش/مهارت/عملکرد

  ضمیر ناخودآگاه: مرکز ثبت/ذخیره خودکار یا مرکز فرماندهی/گفتمان!

  ضمیر خودآگاه: مرکز پردازش/پالایش غیرخودکار یا مرکز فلتر/تصفیه!

هر دو مرکز (معده/مغز) هر لحظه در معرض آفات، امراض و حوادث گوناگون قرار دارند!

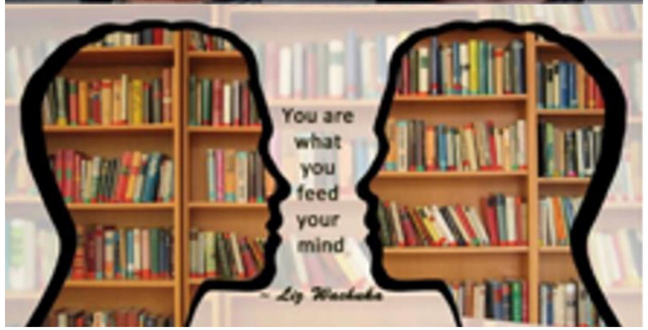
انتخاب گزینه‌ها (تغذیه/شخصیت):

- **مزرعه ..... یا ..... باغچه/گلخانه (دانش/خرد)؛**
- **انبار .... یا ..... زباله/آشغال‌دانی (جهل/خرافات)!**

ما آن چیزی هستیم که تغذیه می‌کنیم!

فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ!





تفاوت آزادی و اسارت در «انتخاب» راه است!

إِنَّ اللهَ لاَ يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنْفُسِهِمْ!

شخصیت ما محصول «انتخاب» گزینه‌های روزانه در زندگی ماست که شخصیت و سرنوشت ما را می‌سازد!

معماری/مهندسی سیاسی (Political Engineering)

* مجموعه‌ای از تکنیک‌ها، روش‌ها و طراحی‌های کاربردی/عملی (مبتنی بر علم و تجربه جهانی) برای تنظیم و مدیریت نهادها و فرایندها یعنی بازسازی ساختار قدرت و روابط سیاسی برای ایجاد یک نظام سیاسی پایدار (در حالیکه سیاست سنتی مبتنی بر شعارها، معامله‌های قدرت، قوم یا ایدیولوژی است)؛

* همان‌گونه که مهندسی ساختمان یا ماشین به طراحی و ساخت براساس اصول علمی می‌پردازد، مهندسی سیاسی به طراحی آگاهانه نهادهای سیاسی، قانون‌گذاری و سازوکارهای قدرت می‌پردازد تا عدالت، ثبات و کارآمدی نظام سیاسی تضمین شود؛

همانگونه که یک ساختمان یا ماشین به «حفظ و مراقبت» نیاز دارد، یک نظام سیاسی نیز به «شفافیت و نظارت» نیاز دارد!

عناصر اساسی مهندسی سیاسی

* **قواعد بازی سیاسی:** قانون اساسی، پاسخگویی، میکانیزم شفافیت/نظارت،

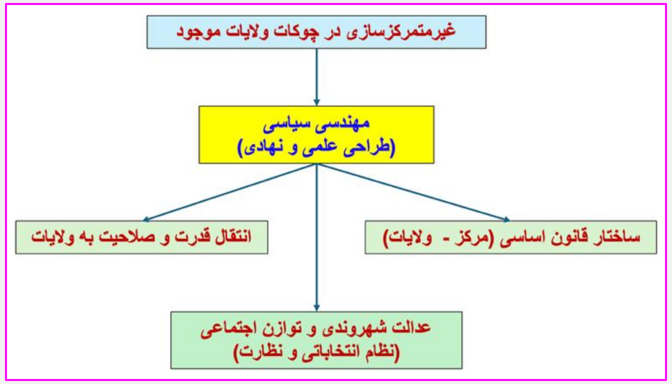
* **ساختار قدرت:** غیرمتمرکز: توزیع افقی/عمودی، شوراهای ولایتی/محلی،

* **بازطراحی نهادها:** حکومت، پارلمان، دادگاه، شوراهای ولایتی/محلی،

* **مدیریت تنوع/تعارضات:** عدالت شهروندی، توازن اجتماعی،

* **سیستم انتخاباتی:** حوزه‌بندی، سهمیه‌بندی، نوع انتخابات،

* **ایجاد مشروعیت:** با استفاده از نمادها، روایات تاریخی وغیره.



مدل‌سازی (Modeling)
* ساختن یک نقشه/نما از یک پدیده واقعی/ذهنی به مقصد تحلیل و پیش‌بینی
شبیه‌سازی (Simulation)
* بررسی رفتار مدل در شرایط مختلف به مقصد تغییر و اصلاح
بهینه‌سازی (Optimization)
* دریافت بهترین راه حل بر اساس نتایج شبیه‌سازی

نظام سیاسی عادلانه و مردم‌سالار (در گفتمان عدالتخواهی-شهروندی)

سازوکار عملی این نظام (از نگاه مهندسی سیاسی) بر پنج اصل اساسی/پایه (سازگار با ارزش‌های جهانی و ارزش‌های قومی، دینی و فرهنگی مردم ما) استوار است [مجموعه ارزش‌های جهانی از دموکراسی **یونان** (حکومت مردم) تا **لیبرال** (آزادی فردی و حقوق بشر)، **فدرال** (تقسیم قدرت)، **سوسیال** (عدالت اجتماعی) وغیره]:

- **ساختار غیرمتمرکز (نهادهای مستقل/متوازن): توزیع افقی/عمودی قدرت** (در **چوکات ولایات موجود** بربنیاد **عدالت شهروندی** و **توازن اجتماعی**)
- **قوانین عادلانه و حاکمیت آن:** زیربنای برقراری نظم، عدالت، امنیت و حل اختلافات (قانون اساسی و اجرای آن)؛
- **نیروهای محرکه جامعه (حاکمان انتخابی/پاسخگو و شهروندان آگاه/فعال):** حاکمان = رانندگان؛ شهروندان = سرنشینان
(**وظیفه حاکمان:** نظارت/کنترول خشونت، اجرای قوانین و عرضه خدمات)؛ (**وظیفه شهروندان:** نظارت/کنترول حاکمان)

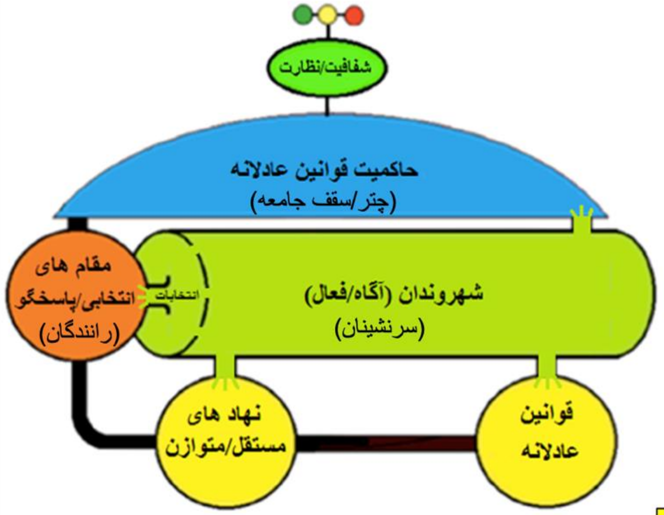
قوانین عادلانه در جامعه
=
خون پاک در بدن

ایجاد توازن (قدرت) = حاکمان/شهروندان مهارشده

* اصل خودگردانی
* اصل قوانین عادلانه
* اصل حاکمیت قانون
* اصل پاسخگویی
* اصل شهروندی

۱. ساختار غیرمتمرکز (نهادهای مستقل/متوازن)
۲. قوانین عادلانه
۳. حاکمیت قانون
۴. حاکمان انتخابی/پاسخگو
۵. شهروندان آگاه/فعال

نظام سیاسی دموکراتیک (چرخ جامعه)
(شیوه گردانندگی چرخ)
نیروهای محرکه جامعه (گردانندگان چرخ)

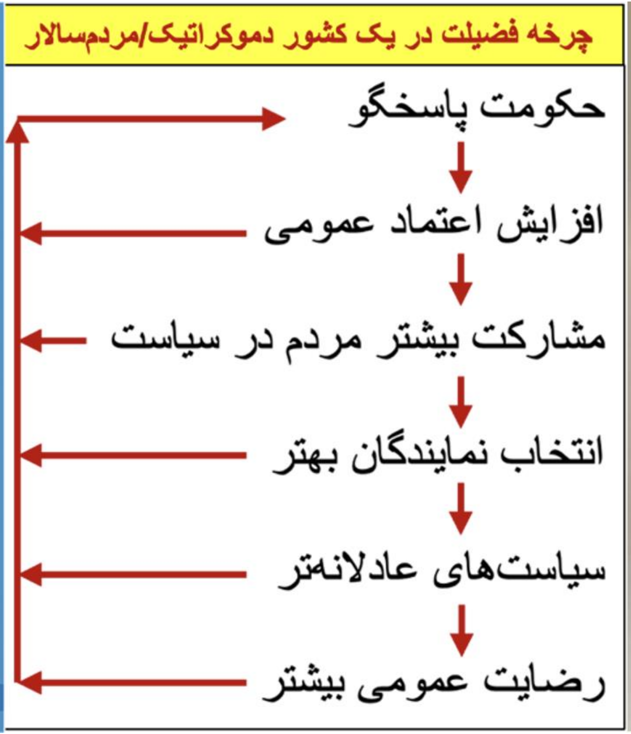


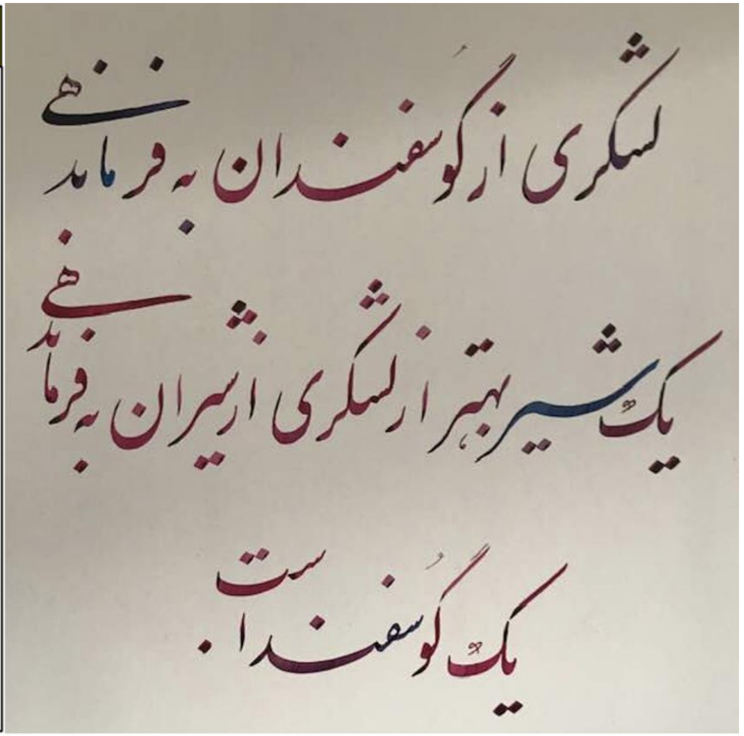
ساختار جوامع دموکراتیک (عادلانه)

این اصول یا معیارها مربوط هیچ ایدیولوژی یا برخلاف هیچیک از ارزش‌های قومی، دینی و فرهنگی مردم ما نیست!

پنج اصل یا پایه اساسی نظام سیاسی عادلانه و مردم‌سالار



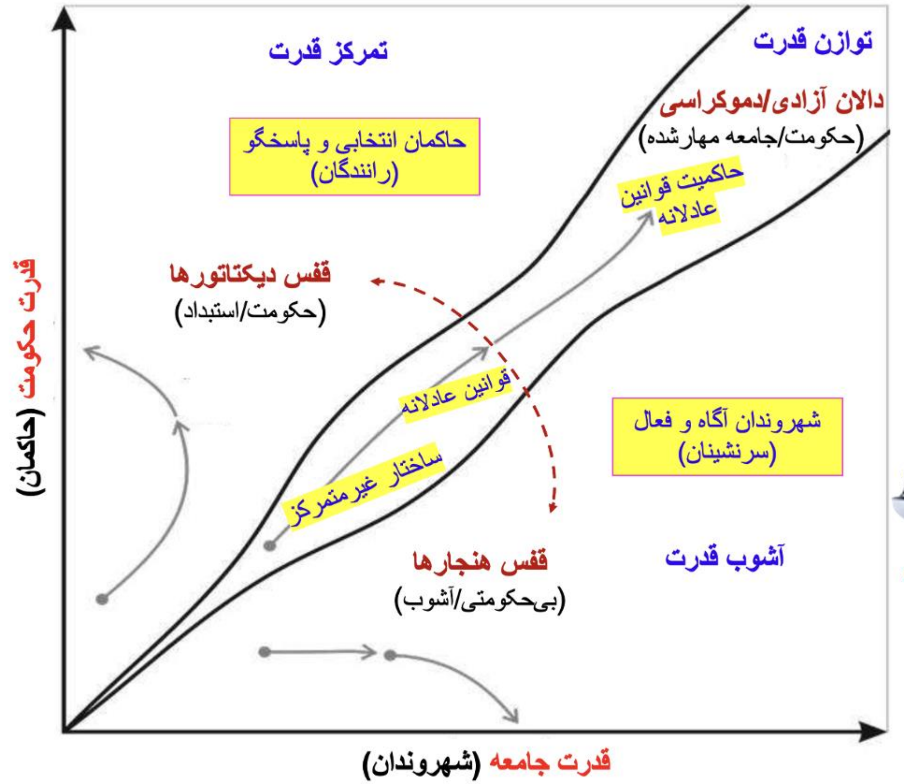




ارزش‌های مشترک، والا، عادلانه و متحدکننده
که می‌تواند بنیاد وحدت و یکپارچگی نخبگان/رهبران سیاسی کشور شود!

ارزش والاتری از حقوق بشر و محیط زیست وجود ندارد!

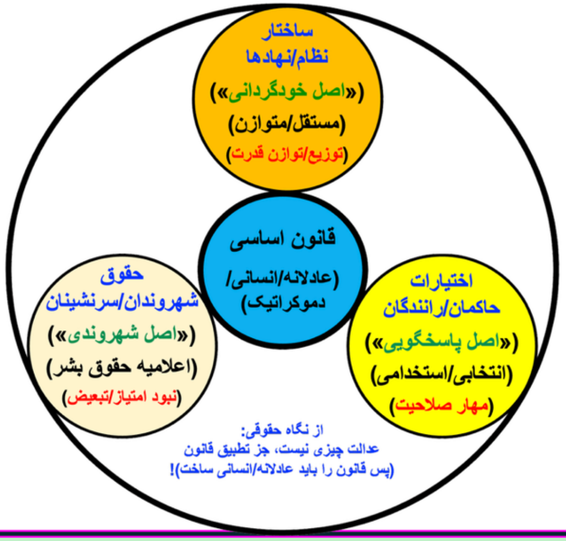
در یک «نظام سیاسی عادلانه و مردم‌سالار»، مهم نیست «کی» حکومت می‌کند، بلکه «چگونه» حکومت می‌کند!





نظام عادلانه/مردم‌سالار (آزادی/دموکراسی)

- دالان باریکی است میان استبداد/سرکوب حکومت (دیکتاتوری) و آشوب/بی‌قانونی از نبود حکومت (انارشی)؛
- ایجاد "توازن قدرت" و نگهداری آن محصول مبارزه هر روزه و دوامدار میان حاکمان/شهروندان است!





برای اعمار یک جامعه عادلانه/دموکراتیک

==============================

۱. «تدوین» یک «قانون (اساسی) عادلانه» که بدون آن نمی‌توان در جهت توازن قدرت، کاهش بحران قومی، افزایش ارزش‌های ملی، قطع مداخلات، عدالت شهروندی و ثبات پایدار در کشور گامی برداشت!

۲. «عملی‌سازی قانون» یا «حاکمیت قانون» که بدون آن انارشی (قانون جنگل) یا دیکتاتوری (حاکمیت فرد) برپا می‌شود!

ساختار نظام سیاسی عادلانه/مردم‌سالار در کشور

غیرمتمرکزسازی
در **«چوکات ولایات موجود»**
برنبیاد **«عدالت شهروندی»** و **«توازن اجتماعی»**!

- **عدالت شهروندی (اصل/زیربنا/تهداب):** تضمین حقوق برابر همه شهروندان (بدون توجه به قوم، زبان، مذهب، جنسیت و منطقه) و لغو هرگونه تبعیض (برابری حقوقی و کرامت انسانی در سطح هر فرد/شهروند)؛

- **توازن اجتماعی (فرع/روبنا/سقف):** حضور نسبی و بازتاب عادلانه همه گروه‌ها (اقوام، زنان، مذاهب و مناطق) در ساختار قدرت و نهادها با استفاده از تبعیض مثبت (حفظ ثبات و مدیریت تنوع در سطح هر گروه)؛

غیرمتمرکزسازی در چوکات ولایات موجود
(قانون اساسی واحد)



دولت ملی/مرکزی
امنیت ملی
ارتش ملی
بودجه ملی
سیاست خارجی

شورای استان/ولایتی
آموزش
بهداشت
پولیس
زبان
فرهنگ

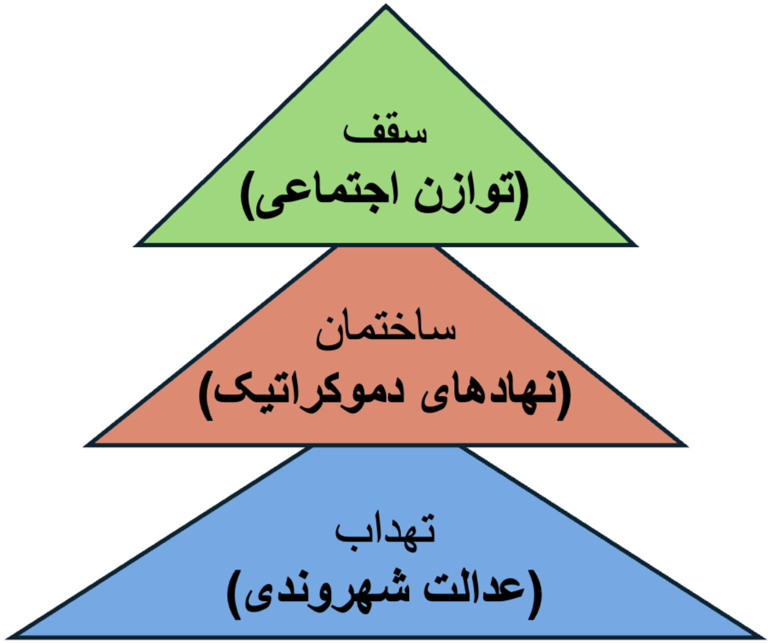
شورای شهرستان/ولسوالی
خدمات اساسی
(آب، برق، جاده، نظافت و...)

ساختار، هدف و اختیارات نظام غیرمتمرکز

سطح	نام	هدف	اختیارات
ملی/مرکزی	مرکز/کابل	حفظ انسجام/حاکمیت ملی	سیاست خارجی، امنیت، ارتش، بودجه، اقتصاد کلان، قانون اساسی واحد
ولایتی/استانی	والی/شوراهای ولایتی	پاسخگویی به تنوع	آموزش، بهداشت، توسعه، پولیس ، زبان/فرهنگ محلی، اداره منابع/درآمد (۶۰٪ / ۴۰٪)
ولسوالی/شهرستانی	حاکم/شوراهای ولسوالی	تقویت مشارکت	خدمات شهری، نظارت بر ادارات محلی، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری

طرح اجرایی برای عملی‌سازی ساختار غیرمتمرکز

حوزه اجرا	سطح مسئولیت	اقدامات کلیدی	نهاد/مرجع مسئول
اداری	ولایت و شهرستان	انتقال اختیارات در برنامه‌ریزی، استخدام و بودجه‌بندی محلی	شوراهای ولایتی و شهرستان
سیاسی	مرکز و ولایت	برگزاری انتخابات آزاد برای شوراهای محلی و نظارت نهادی	کمیسیون مستقل انتخابات
زبانی/آموزشی	ولایت	برنامه‌های آموزشی چندزبانه و دسترسی برابر زبانی	وزارت معارف/شوراهای محلی
اقتصادی/منابع	مرکز - محل	تقسیم منابع به نسبت جمعیت، نیازمندی و محرومیت	وزارت مالیه/نهاد مالی محلی
نظارت/شفافیت	همه سطوح	ایجاد نهادهای نظارتی مستقل در سطح محلی و مرکزی	کمیسیون نظارت ملی و محلی



تفاوت میان عدالت شهروندی و توازن اجتماعی

مفهوم	تعریف	هدف اصلی	ویژگی
عدالت شهروندی	تضمین حقوق برابر برای همه اقوام، زنان، مذاهب و مناطق بدون هرگونه تبعیض	رفع تبعیض ساختاری و نهادینه	مبتنی بر برابری فردی در چارچوب حقوق بشر – تمرکز بر حق، فرصت، کرامت
توازن اجتماعی	حضور نسبی و بازتاب عادلانه اقوام/زنان/مذاهب/مناطق در ساختار قدرت و نهادها (با استفاده از تبعیض مثبت)	جلوگیری از انحصار قومی، جنسیتی، مذهبی، منطقه‌ی در ساختار دولت	مبتنی بر نمایندگی گروهی/اجتماعی – تمرکز بر توزیع قدرت و مناصب

اگر توازن اجتماعی بر بنیاد عدالت شهروندی و اصل شایستگی فردی در همان گروه استوار نباشد، نهادها به «شرکت‌های سهامی قومی/جنسیتی» تبدیل خواهند شد که در دوران کرزی-احمدزی نیز وجود داشتند!

دلایل عدم صلاحیت قانونگذاری ولایات

دلیل	توضیح
پرهیز از تضاد قوانین (بنا بر ویژگی‌های قومی/قبیله‌ی)[1]	جلوگیری از صدور قوانین متفاوت یا متناقض میان ولایات
ایجاد و حفظ وحدت ملی	قانون واحد مانع ایجاد شکاف‌های سیاسی/قومی میان ولایات می‌شود
جلوگیری از تقابل/رویارویی محلی	ولایات قومی (مخلوط) در صورت قانونگذاری محلی دچار تنش می‌شوند
تمرکز بر اجرای قانون اساسی (ملی)	تمرکز ولایات بر اجرای عادلانه و موثر قوانین واحد (نه تدوین قوانین مستقل برای خود)
محافظت از عدالت شهروندی	تضمین یکسان‌سازی حقوق شهروندان در سراسر کشور (از راه قوانین ملی واحد)

۱. چون ممکن است برخی مناطق با بهانه‌های فرهنگی/مذهبی/وغیره، خواستار نگهداری سلاح/ننواتی، مانع بازگشایی مکاتب/رسانه‌ها، محدودیت‌های جنسیتی وغیره در قوانین محلی خود شوند!

فدرالیزم = ایالت‌سازی + قانون‌گذاری

۳. گره کور در گفتمان عدالت‌خواهی
(ترس تاریخی پشتون‌ها و عدالتخواهی یکطرفه غیرپشتون‌ها)

پشتون‌ها چنین تصور می‌کنند که اگر قدرت سیاسی را از دست بدهند، زبان، هویت و نقش تاریخی‌شان در کشور تضعیف یا حتی نابود می‌شود. به همین دلیل، بسیاری از آنها به قدرت سیاسی چنگ زده و تلاش می‌کنند حاکمیت قومی خود را با «اکثریت‌نمایی قومی» و تأکید بر «میراث پادشاهی»، یک حق «طبیعی» یا «تاریخی» جلوه دهند.

- **سکوت/غیبت پرهزینه و پرسش‌برانگیز پشتون‌ها:** میدان عدالتخواهی را از تعادل خارج کرده و عدالتخواهی را یکطرفه – قومی جلوه می‌دهد!

- **ریشه‌های ترس (چرا روشنفکران پشتون همراهی نمی‌کنند؟)**

* **ترس از اقلیت بودن** (بدون قدرت سیاسی به حاشیه رانده شده و جایگاه خود را از دست می‌دهند)
* **ضعف ادبیات پشتو** (بدون قدرت سیاسی در رقابت با پارسی تضعیف یا نابود می‌شود)
* **قدرت سیاسی به‌مثابه میراث تاریخی** (سقوط قدرت را نه تغییر ساختاری، بلکه تهدیدی علیه حیثیت قومی خود تلقی می‌کنند)
* **توهم مشروعیت اکثریت** (با روایات غیرواقعی و غیرمستند خود را اکثریت و مشروع می‌پندارند)

- **پیامدهای غیبت نخبگان پشتون در گفتمان عدالتخواهی**

* **عدالتخواهی قومی تلقی می‌شود** (عدالتخواهی یکطرفه رنگ قومی می‌گیرد یا قومی جلوه می‌کند، حتی اگر برحق باشد)
* **روشنفکران در دام قومگرایی می‌افتند** (اتهام قومگرایی یا ضد وحدت ملی بر عدالتخواهان به خشم قومی تبدیل می‌شود)
* **عدالتخواهی به ابزار/جنگ قومی تبدیل می‌شود** (توجه/تمرکز براینکه «این حرف را کی زده است» به‌جای اینکه «چه گفته است»)
* **نخبگان غیرپشتون در انزوای گفتمانی قرار می‌گیرند** (عدالتخواهان متهم به قومگرایی و دشمنی با پشتون شده و شخصیت‌شان تخریب می‌شود)
* **بی‌اعتمادی بازتولید می‌شود** (هر نقدی تهدید به هویت آنها و هر سکوتی دفاع از سلطه تعبیر شده و باعث بازتولید بی‌اعتمادی بیشتر می‌شود)
* **فضای گفتگو مسموم و مسدود می‌شود** (یکی در اعتراض و دیگری در دفاع بجای گفتگوهای سازنده، باعث مسمومیت/مسدودیت گفتگوها می‌شود)

اگر پشتون‌ها با گفتمان عدالتخواهی همراه نشوند، چه باید کرد؟

* **پاسخ اخلاقی-ارزشی:** اگر روشنفکران پشتون، این وظیفه اخلاقی-ارزشی خود را نادیده بگیرند و یا با تعصب قومی از ساختار غیرعادلانه دفاع کنند، دیگران (تاجیک، هزاره، اوزبک وغیره) حق دارند بدون همراهی آنان، راه عدالتخواهی را ادامه دهند!

اما مهم این است: **نباید دفاع از عدالتخواهی را به واکنش نفرت‌محور قومی تبدیل کرد**! زیرا آنگاه ما نیز به همان دام قومگرایی خواهیم افتاد که دیگران در آن غرق شده‌اند (به قول مولانا باید از «**چرخه شوم طبیعی: کنش و واکنش**»، به «**چرخه عالی انسانی: عدل و احسان**، إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَ» گذار کرد):

من بد کنم و تو بد مکافات دهی — پس فرق میان من و تو چیست؟ بگو

* **پاسخ سیاسی-اجتماعی:** بدون همراهی روشنفکران پشتون، خطر تقابل قومی افزایش می‌یابد.
اما اگر بخش غالب نخبگان پشتون به دفاع از هژمونی قومی ادامه دهند و گفتگوی بین‌قومی را تحریم کنند؛ در این‌صورت:
* **شکاف قومی عمیق‌تر می‌شود.**
* **روایت «قوم حاکم» و «اقوام محکوم» نهادینه می‌شود.**
* **اقوام دیگر ممکن است از مسیر گفتگو ناامید شده و به رویارویی سیاسی، فرهنگی و نظامی متوسل شوند...**

در نتیجه، کشور نه به سوی شهروندی و عدالت‌محوری، بلکه به‌سوی جنگ قومی، انفجار اجتماعی و تجزیه/فروپاشی خواهد رفت!

* **جنگ قومی و پیامدهای آن:** جنگ‌های قومی زمانی شعله‌ور می‌شوند که گفتمان قومی جای گفتمان شهروندی را در توزیع قدرت، منابع و مشارکت سیاسی بگیرد. در چنین شرایطی، نخبگان سیاسی با تحریک احساسات قومی، زمینه خشونت، نفرت و بی‌اعتمادی را فراهم کرده و مردم را در برابر یکدیگر قرار می‌دهند...

پیامدهای چنین جنگ‌ها اغلب نسل‌کشی، آوارگی، ویرانی و حتی فروپاشی یا تجزیه کشورها است!

۴. چگونه می‌توان از گفتمان قومی به گفتمان عدالتخواهی گذار کرد؟

گفتمان عدالتخواهی پیش‌شرط اساسی برای ساختن یک جامعه عادلانه، صلح‌آمیز، شهروندی و مشارکتی در کشور است. گذار از گفتمان قومی به گفتمان عدالتخواهی، یک انقلاب آرام است که با زبان شروع می‌شود، با گفتگو/نقد تقویت می‌شود، با آموزش، رسانه‌ها و تغییر ذهنیت‌ها درونی می‌شود و در نهایت در ساختارهای قانونی/حقوقی نهادینه می‌گردد:

داوری عادلانه آن‌است که

اندیشه‌ها برپایه اصول‌شان (نه اعمال پیروان‌شان) و افراد براساس اعمال‌شان (نه اندیشه‌های‌شان) ارزیابی شوند!

اصلاح زبان سیاسی و عمومی/رسانه‌ای

* **تفکیک هویت قومی از هویت حاکمان** (هیچ گروه فاشیست/مستبد نماینده یک قوم نیست: حاکمان نقد شوند، نه قوم/زبان آنها)
* **گذار از قوم‌محوری به ساختار/نظام‌محوری** (ساختار/نظام نقد و نابود شود، نه «قوم» او؛ عدالت شهروندی، نه قومی)
* **پرهیز از برچسب‌زنی قومی در بحث‌های تاریخی** (اظهار حقایق تاریخی نه موضع‌گیری قومی، بلکه روشنگری است)

ایجاد سازوکارهای گفتگو و آشتی

* **برگزاری محافل گفتگو** (تمرکز بر ساختار نظام و عدالت شهروندی): هزار ساعت گفتگو بهتر از یک ساعت جنگ است!
* **تمرکز بر خواست‌های مشترک و فراگیر** (تمرکز بر ارزش‌های مشترک، به‌جای تفاوت‌ها، مانند عدالت و لغو تبعیض)
* **پاسخ به ترس با عدالت، نه با سلطه** (به‌جای ترس از حذف فرهنگی باید بر مشارکت و تضمین قانونی تکیه کرد، نه سلطه)
* **تثبیت حقوق زبانی/فرهنگی در قانون، نه از راه سلطه** (ساختار غیرمتمرکز و چندزبانه و تثبیت قانونی، نه سلطه)

مسئولیت‌پذیری و روشنگری

* **نقد خودی یا درون‌قومی** (نقد ظلم/ستم براساس عدالت و حقوق بشر/شهروندی باشد، نه براساس تعلق قومی)
* **تثبیت صداهای عادلانه و برجسته‌سازی آنها** (شناخت و تقویه صداهای عدالتخواه در همه اقوام، به‌ویژه پشتون‌ها)
* **دعوت مداوم به گفتگو** (حتی اگر بی‌پاسخ بماند: باز نگهداری دروازه در هر حالتی: باعث تقویه قدرت اخلاقی گفتمان می‌شود)

تغییر ذهنیت و فرهنگ سیاسی

* **تمرکز بر کارکردهای حاکمان و ساختار نظام** (نقد حاکمان و ساختار قدرت یا نظام سیاسی که مشکل در کدام یک است)
* **گذار از ذهنیت مجرم‌سازی جمعی** (نقد عملکرد دولت‌ها/حاکمان، نه اتهام قومی و نفرت‌پراگنی؛ زیرا جرم یک عمل شخصی است)
* **پرهیز از ساده‌سازی تاریخ** (تقسیم اقوام به حاکم و محکوم به معنای گذاشتن «عینک قومی» در چشم همگان است)
* **پرهیز از مظلوم‌نمایی و دشمن‌سازی متقابل** (هیچ قومی ذاتا ظالم/مظلوم یا خوب/بد نیست، بلکه ساختار سیاسی مقصر است)
* **گذار از روایت‌های (کهن) قومی به واقعیت‌های (جدید)ملی** (حاکمیت نه میراث تاریخی/قومی، بلکه اصول شهروندی/شایستگی)
* **بازگویی حقایق تاریخی به‌گونه مستند و علمی** (بازگویی حقایق برای آگاهی/روشنگری، نه ابزار دشمنی یا دشمن‌سازی قومی)

تدوین ساختارهای سیاسی و حقوقی

* **توافق برای ایجاد یک نظام سیاسی عادلانه، مردم‌سالار و دموکراتیک** (بربنیاد عدالت شهروندی و توازن اجتماعی)
* **تعریف دوباره حق سیاسی** (قدرت و حاکمیت میراث پدری نیست)
* **تعریف دوباره میراث قومی** (کشور میراث قومی نبوده و ادعای قوم حاکم/محکوم، بومی، مهاجر یا مهاجم درست نیست)
* **نظام حقوقی برای همزیستی** (تثبیت و تضمین حقوق شهروندی در «قانون اساسی عادلانه»)

ریشه‌های بحران قومی، پیامدها و راه‌حل‌های آن

محورها	شرح تحلیلی
مشکلات اساسی	افشای ستم و نقد حاکمیت قومی عمدتا از سوی روشنفکران غیرپشتون؛ تقسیم اقوام به حاکم و محکوم؛ سکوت، انکار یا عدم همراهی بخش بزرگی از روشنفکران پشتون در افشای ستم و نقد حاکمیت قومی گذشته و حال؛ ترس از زوال زبان و هویت در صورت پایان انحصار قدرت قومی؛ امتناع از ورود و همراهی با گفتمان شهروندی و عدالت‌محور؛ تشدید بازار قومی و قوم‌سازی به‌ویژه در ۲۰ سال حاکمیت کرزی-احمدزی
پیامدها	قومی‌شدن گفتمان عدالت‌خواهی؛ تهمت قومگرایی به منتقدان غیرپشتون؛ تشدید شکاف‌های قومی؛ تولید فضای تفرقه، تقابل و بی‌اعتمادی؛ انسداد گفتمان فراگیر عدالت‌خواهی؛ بازتولید چرخه انحصار و حذف؛ برافراشتن پرچم‌های قومی؛ فدرال‌خواهی و تجزیه‌طلبی
راه حل‌ها	تغییر زبان نقد؛ پرهیز از گفتمان‌های نفرت‌پراگنی و انتقام‌جویانه؛ تفکیک بین قوم و حاکمان (نقد حاکم/ساختار، نه قوم)؛ تقویت روشنفکران عدالت‌خواه در همه اقوام (به‌ویژه در پشتون‌ها)؛ گذار از گفتمان قومی به گفتمان عدالت‌خواهی (تمرکز بر طرح‌های بدیل ساختاری و راه حل‌های حقوقی مانند غیرمتمرکزسازی، عدالت شهروندی، حاکمان پاسخگو وغیره)

۵. پیوند گفتمان عدالتخواهی با مبارزه مدنی و مسلحانه

گفتمان عدالت‌خواهی در جوهر خود یک خواست اخلاقی، انسانی و سیاسی برای رفع تبعیض، استثمار و نابرابری است. این خواست می‌تواند به اشکال مختلفی بروز کند: از اعتراض مدنی تا نافرمانی مدنی و از گفتمان فرهنگی تا بسیج توده‌ای و مبارزه مسلحانه!

شرایط مبارزه مسلحانه

* **انسداد سیاسی** (بسته‌بودن همه راههای قانونی و مدنی برای ابراز مطالبات/خواست‌ها یا غیرموثربودن آن‌ها)
* **سرکوب سیستماتیک** (اعمال خشونت، تبعیض و حذف)
* **نابرابری و بحران عدالت** (حکمفرمایی بی‌عدالتی و تبعیض عمومی)
* **نبود نهادهای میانجی** (نبود احزاب سیاسی، جوامع مدنی و رسانه‌های آزاد)

مشروعیت مبارزه مسلحانه

* **اصل دفاع از خود** (Self-defence)(ماده ۵۱ منشور ملل متحد)
* **اصل تناسب** (Proportionality)(اعمال مبارزه مسلحانه متناسب با سطح تهدید/خشونت؛ نسل‌کشی = مشروعیت مقاومت مسلحانه)
* **آخرین راه حل** (Last resort)(عدم وجود راههای صلح‌آمیز و مدنی)
* **اهداف عادلانه** (احیای عدالت شهروندی و پایان تبعیض و خشونت، نه دستیابی به قدرت/سلطه برای استبداد جدید)

شرایط و معیارهای (مشروعیت) مبارزه مسلحانه

معیار	توضیح
نبود راه حل سیاسی/مسالمت‌آمیز	بسته بودن همه کانال‌های گفتگو و اصلاح از طرف حکومت
هدف روشن و عادلانه	هدف باید گفتمان عدالتخواهی، مردم‌سالاری و شهروندی باشد، نه‌تنها جابجایی قدرت
تناسب و پرهیز از جنگ داخلی	مبارزه نباید کور، قومی یا علیه غیرنظامیان باشد
حمایت مردم	مقاومت باید ریشه در درخواست مردم داشته باشد، نه در پروژه‌های قومی یا گروهی

پیوند مبارزه مسلحانه با مبارزه مدنی: گفتمان عدالتخواهی زیربنای فکری و اخلاقی مبارزه مدنی و مبارزه مسلحانه است.

مبارزه مدنی یا غیرخشونت‌آمیز: نوعی کنش سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی که با روش‌های غیرخشونت‌آمیز برای تغییر نظم غیرعادلانه و مقابله با ظلم یا دستیابی به عدالت و آزادی انجام می‌شود. مردم در این نوع مبارزه، از ابزارهایی چون اعتراض، نافرمانی مدنی، اعتصاب، تحریم، آموزش و بسیج اجتماعی استفاده می‌کنند، نه از اسلحه یا خشونت فزیکی.

+ + +

مبارزه مسلحانه هنگامی می‌تواند مشروعیت خود را در پیوند با گفتمان عدالت‌خواهی حفظ کند که از مرزهای نفرت قومی/مذهبی، انتقامجویی یا تمامیت‌خواهی عبور کند و با مبارزه مدنی همراه شود تا از ترکیب هوشمندانه برخوردار گردد:

ترکیب مبارزه مدنی و مسلحانه

نوع مبارزه	ویژگی‌ها	مزایا	خطرات احتمالی
مبارزه مدنی	گفتمان‌سازی، آگاهی‌بخشی، بسیج اجتماعی، نافرمانی مدنی، تولید روایت و مشروعیت‌بخشی به بدیل	جلب حمایت داخلی و بین‌المللی، ایجاد پایه اجتماعی، کاهش خشونت	سرکوب شدید مردم، کندبودن روند، نیازمند رسانه و امنیت نسبی
مبارزه مسلحانه	مقاومت فزیکی برای دفاع از مردم، مناطق و جلوگیری از تحکیم قدرت سرکوبگر	ایجاد فشار عملی بر دشمن، دفاع از مناطق، جان و کرامت مردم	احتمال سوئ استفاده قومی، جنگ داخلی، تخریب زیرساخت‌ها، دوری از اهداف عدالت‌محور
ترکیب هوشمندانه	همزمانی مبارزه مدنی و مسلحانه (با حفظ اخلاق و هدف مشترک)	بالابردن مشروعیت و اثرگذاری، کاهش خطر افراطگرایی، پیوند مقاومت با مردم	نیازمند رهبری ملی و برنامه‌ریزی دقیق؛ نبود هماهنگی و ایجاد هرج و مرج

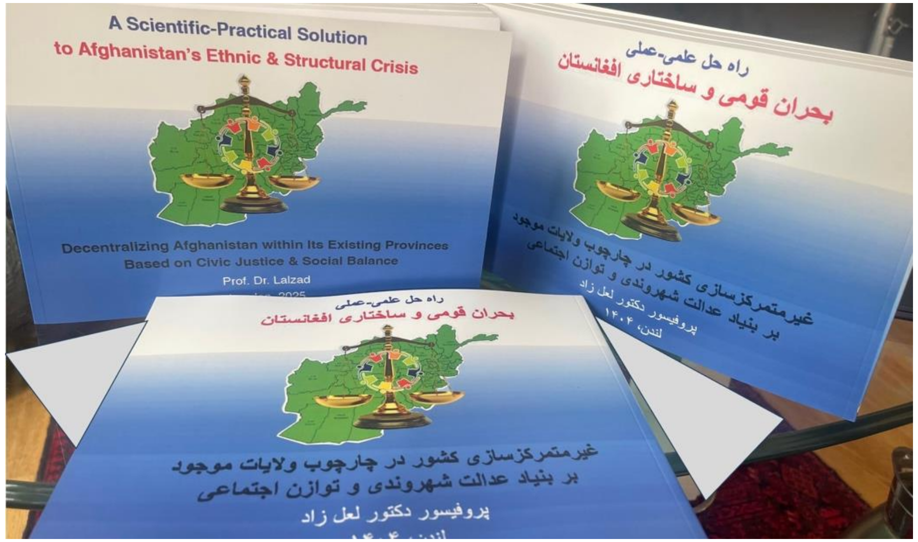
نتیجه‌گیری

- تا وقتی روشنفکران پشتون در نقد ساختار ظالمانه شرکت نکنند، عدالتخواهی سایر اقوام، قومی جلوه می‌کند – حتی اگر برحق باشد!
- تا وقتی عدالتخواهان سایر اقوام بدون روشنفکران پشتون حرکت کنند، گفتمان عدالتخواهی، قومی تلقی می‌شود – حتی اگر ذاتا قومی نباشد!
- روشنفکران عدالتخواه همه اقوام، به‌ویژه پشتون، باید به این گفتمان دعوت شوند – حتی اگر شمارشان اندک باشد یا دعوت بی‌پاسخ بماند!
- روشنفکران سایر اقوام حق دارند عدالتخواهی را ادامه دهند – حتی اگر برخی روشنفکران پشتون با تعصب قومی از ساختار ظالمانه دفاع کنند!
- با این همه، نباید گفتمان عدالتخواهی را قومی کرد – حتی اگر یک قوم هم همراهی نکند!
- و نباید گفتمان عدالتخواهی را به «برخورد با پشتون‌ها» کاهش داد – حتی اگر روشنفکران پشتون سکوت کنند!
- هرچند، سکوت در برابر ساختار تبعیض‌آمیز، در عمل همراهی با آن تلقی می‌شود – حتی اگر ناخواسته باشد!
- پایداری بر اصول عدالت، دعوت مداوم به گفتگو و پرهیز از نفرت‌پراکنی، کلید نجات کشور است – حتی اگر همراهان اندک باشند!
- اگر گفتمان عدالتخواهی اساس مبارزه باشد – حتی توسل به اسلحه می‌تواند مشروعیت اخلاقی بیشتری پیدا کند!
- اما اگر گفتمان غالب بر انتقامجویی یا سلطه‌طلبی قومی استوار باشد، مبارزه غیرمشروع خواهد بود – حتی اگر شکل مدنی داشته باشد!

پیروز باشید!



A Scientific-Practical Solution
to Afghanistan's Ethnic & Structural Crisis
راه حل علمی-عملی
بحران قومی و ساختاری افغانستان
غیرمتمرکزسازی کشور در چارچوب ولایات موجود
بر بنیاد عدالت شهروندی و توازن اجتماعی
پروفیسور دکتور لعل زاد
Decentralizing Afghanistan within Its Existing Provinces
Based on Civic Justice & Social Balance
Prof. Dr. Lalzad
London, 2025



A Scientific-Practical Solution
to Afghanistan's Ethnic & Structural Crisis
Decentralizing Afghanistan within Its Existing Provinces
Based on Civic Justice & Social Balance
Prof. Dr. Lalzad
راه حل علمی-عملی
بحران قومی و ساختاری افغانستان
غیرمتمرکزسازی کشور در چارچوب ولایات موجود
بر بنیاد عدالت شهروندی و توازن اجتماعی
پروفیسور دکتور لعل زاد